
۱- «الف» اتومبیل «ب» را فضولتاً در عوض يك موتورسیکلت به «د» انتقال می دهد و بعد از قبض و اقباض عوضین، «الف» این موتورسیکلت را در عوض يك وانت به «د» انتقال می دهد. در ضمن «د» نیز اتومبیل را به قیمت بیست میلیون تومان به شخص «ه» میفروشد. اگر «ب» معاوضه موتورسیکلت و وانت را تنفیذ کند، کدام معامله باطل خواهد بود؟

۱) همه معاملات صحیح خواهد بود.

۲) همه معاملات، به جز معامله تنفیذ شده، باطل خواهد بود.

۳) بیع بین «ج» و «ه» باطل خواهد بود.

۴) معاوضه بین «الف» و «ج» باطل خواهد بود.

۲- اگر شخصی فضولتاً مال شخصی را به دیگری بفروشد و مالک با اطلاع از معامله فضولی، ایجاب فروش آن مال را اعلام کند، وضعیت معامله فضولی چیست؟

۱) معامله فضولی باطل خواهد بود.

۲) تنها اگر ایجاب مالک مورد قبول مخاطب قرار بگیرد، معامله فضولی باطل خواهد بود.

۳) تنها اگر مشتری فضولی مخاطب ایجاب باشد، معامله فضولی باطل خواهد بود.

۴) معامله فضولی غیرنافذ باقی می ماند.

۳- کدام گزینه در مورد تعهد فضول به تضمین اجازه مالک صحیح است؟

۱) اگر تعهد تضمین اجازه به صورت شرط ضمن عقد فضولی باشد، به تبع عقد اصلی غیرنافذ است.

۲) در هر معامله فضولی، فضول تعهد ضمنی به تضمین اجازه مالک دارد.

۳) در هر معامله فضولی که برای مالک منعقد شده باشد، فضول تعهد ضمنی به تضمین اجازه دارد.

۴) تعهد تضمین اجازه علی الاصول شامل تعهد تضمین اجرای تعهدات ناشی از قرارداد نیست.

۴- کدام گزینه در مورد ضمان مشتری نسبت به مبیع فضولی در صورت رد معامله فضولی صحیح است؟

۱) مشتری صرفاً در صورتی که عالم به فضولی بودن معامله باشد، ضامن عین و منافع مبیع است.

۲) مشتری صرفاً در صورت تصرف مبیع فضولی، ضامن عین و منافع مبیع است.

۳) مشتری صرفاً در صورت تصرف مبیع فضولی، ضامن عین و منافع مستوفات مبیع است.

۴) مشتری در هر حال ضامن عین و منافع مبیع است.

۵- کدام گزینه در خصوص امکان فسخ معامله فضولی از جانب اصیل صحیح است؟

- ۱) اگر مالک در اجازه یا رد بیع فضولی تأخیر کند، اصیل حق فسخ عقد فضولی را دارد.
 - ۲) اگر مالک در اجازه یا رد بیع فضولی تأخیر کند و این تأخیر موجب تضرر اصیل شود، اصیل حق فسخ عقد فضولی را دارد.
 - ۳) اگر مالک در اجازه یا رد بیع فضولی تأخیر کند و این تأخیر موجب تضرر اصیل شود، اصیل حق فسخ عقد فضولی را دارد مشروط به این که به فضولی بودن بیع جاهل باشد.
 - ۴) در صورت تأخیر مالک در اجازه یا رد بیع فضولی، اصیل حق فسخ عقد فضولی را ندارد.
- ۶- اگر شخص ثالثی دین مدیون را بپردازد، در چه صورتی می‌تواند جهت استرداد مبلغ پرداخت شده به مدیون رجوع کند؟

- ۱) پرداخت با اذن مدیون صورت گرفته باشد.
 - ۲) پرداخت با اذن مدیون و با قصد تبرع صورت گرفته باشد.
 - ۳) پرداخت با اذن مدیون و بدون قصد تبرع صورت گرفته باشد.
 - ۴) پرداخت بدون اذن مدیون و بدون قصد تبرع صورت گرفته باشد.
- ۷- پرویز و پونه هر دو محجور ممیز هستند. پدر پرویز (به نمایندگی از پرویز) صد کیلو برنج طارم به نحو کلی از پدر پونه (به نمایندگی از پونه) به قیمت پانصد هزار تومان می‌خرد. از دو پرداخت زیر کدامیک قابل استرداد است؟
- یکم: پرویز پانصد هزار تومان به پدر پونه بپردازد.
 - دوم: پونه صد کیلو برنج طارم به پدر پرویز تسلیم کند.
- ۱) هر دو قابل استرداد است.
 - ۲) هیچ کدام قابل استرداد نیست.
 - ۳) تنها پول پرداخت شده قابل استرداد است.
 - ۴) تنها برنج تسلیم شده قابل استرداد است.

۸- اگر «الف»، «ب» و «و» به نحو تضامنی در مقابل یک شخص مسئولیت داشته باشند و طلبکار، «الف» را به شرط عوض ابرا کند و «الف» شرط عوض را بپذیرد، کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) شرط عوض باعث بطلان ابراست.
- ۲) کلیه مسئولان تضامنی بری می‌شوند و همگی مسئول پرداخت عوض هستند.
- ۳) کلیه مسئولان تضامنی بری می‌شوند و فقط «الف» مسئول پرداخت عوض است.
- ۴) فقط «الف» بری می‌شود و فقط «الف» مسئول پرداخت عوض است.

۹- در ارتباط با مالکیت مافی‌الذمه کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) اگر مضمونٌ عنه مالك مافی‌الذمه خود شود، دین ضامن ساقط می‌شود.
- (۲) برای تحقق مالکیت مافی‌الذمه، اتحاد دو وصف طلبکار و بدهکار در يك شخص ضروري است.
- (۳) اگر مضمونٌ له مورث ضامن باشد و بمیرد، ضامن مالك مافی‌الذمه خود می‌شود و حق رجوع به مدیون اصلی را نخواهد داشت.

(۴) هبه طلب به مدیون باعث تحقق مالکیت مافی‌الذمه می‌شود.

۱۰- «الف» موبایل خود را به نحو معلق به «ب» می‌فروشد و قبل از وقوع معلقٌ علیه، «ب» را از دین مربوط به ثمن ابرا می‌کند. کدام گزینه در این خصوص صحیح است؟

- (۱) ابرا باطل است.
- (۲) ابرا صحیح است و در صورت عدم تحقق معلقٌ علیه، بایع باید معادل ثمن را به مشتری بپردازد.
- (۳) ابرا باطل است و باعث بطلان بیع می‌شود.
- (۴) ابرا صحیح است و در صورت عدم تحقق معلقٌ علیه، بایع مسئول پرداخت معادل ثمن به مشتری نیست.

۱۱- «الف» به «ب» دو میلیون تومان مدیون است و «ب» علی‌رغم مخالفت مدیون، دو میلیون تومان بابت پرداخت دین مدیون، به مغازه طلبکار می‌برد و قصد تسلیم آن به طلبکار را دارد، اما طلبکار از قبول آن امتناع می‌کند و «ب» این مبلغ را به صندوق دادگستری می‌سپرد. سپس «الف» و «ب» تعهد سابق را تبدیل به تملیک هزار کیلو موز می‌کنند. کدام گزینه در مورد وضعیت ایفای ثالث و تبدیل تعهد صحیح است؟

- (۱) ایفای ثالث صحیح و تبدیل تعهد باطل است.
- (۲) ایفای ثالث و تبدیل تعهد هر دو صحیح است.
- (۳) ایفای ثالث ناو را و تبدیل تعهد صحیح است.
- (۴) ایفای ثالث ناروا و تبدیل تعهد باطل است.

۱۲- اگر محل تأدیه دو دین مختلف باشد، تهاتر در چه صورتی واقع می‌شود؟

- (۱) تهاتر واقع نمی‌شود.
- (۲) در صورت تأدیه مخارج حمل و نقل یا اسقاط حق تأدیه در محل معین
- (۳) در صورت اتحاد سبب دو دین
- (۴) تهاتر واقع می‌شود.

۱۳- اگر «الف» از «ب» طلبکار باشد و «ج» به نحو وثیقه‌ای از «ب» ضمانت کرده باشد و «الف» و «ب» تعهد سابق را تبدیل به یک تعهد جدید کنند، از جهت تحلیلی، آیا ضمان وثیقه‌ای به تعهد جدید نیز تعلق می‌گیرد؟

۱) تعلق نمی‌گیرد مگر این که «ب» و «ج» رضایت دهند.

۲) تعلق نمی‌گیرد مگر این که در تبدیل تعهد شرط شده باشد.

۳) تعلق نمی‌گیرد مگر این که «ج» رضایت دهد.

۴) تعلق نمی‌گیرد مگر این که در تبدیل تعهد شرط شده باشد و «ج» به آن رضایت دهد.

۱۴- «الف» صد کیلو برنج به نحو کلی به «ب» فروخته و مصداقی از برنج فروخته شده را به مشتری تسلیم کرده است. اگر «الف» اثبات کند که برنج تسلیم شده متعلق به «ج» بوده و با اذن «ج» در اختیار او بوده است، کدام گزینه صحیح است؟

۱) برنج تسلیم شده از «ب» مسترد و به «الف» داده می‌شود.

۲) برنج تسلیم شده از «ب» مسترد و به «ج» داده می‌شود.

۳) برنج تسلیم شده از «ب» مسترد نمی‌شود مگر این که اثبات شود که «الف» اذن در تأدیه نداشته که در این صورت به «الف» مسترد می‌شود.

۴) برنج تسلیم شده از «ب» مسترد نمی‌شود مگر این که اثبات شود که «الف» اذن در تأدیه نداشته که در این صورت به «ج» مسترد می‌شود.

۱۵- ایقاعات و عقود در کدام یک از موارد زیر با هم تفاوت اساسی دارند؟

۱) لزوم اعلام اراده

۲) اصل آزادی

۳) اصل لزوم

۴) اصل صحت

۱۶- اگر مبیع بعد از اقاله و قبل از تسلیم به بایع، درید مشتری تلف شود، حکم قضیه چیست؟

۱) مشتری ضامن تلف مبیع است مگر این که اثبات کند که تلف ناشی از قوه قاهره بوده است.

۲) مشتری ضامن تلف مبیع نیست مگر این که در حفظ مبیع تعدی و تفریط کرده باشد.

۳) مشتری ضامن تلف مبیع است.

۴) مشتری ضامن تلف مبیع نیست.

۱۷- بعد از وقوع بیع يك دستگاه اتومبیل، مشتري آن را به شخص ثالثي اجاره مي دهد و قبل از انقضاي مدت اجاره، بايع و مشتري بيع را اقاله مي کنند. کدام گزینه در اين خصوص صحيح است؟

(۱) در اين حالت اقاله بيع ممکن نیست و باطل است.

(۲) اقاله صحيح است و از زمان اقاله، اجاره منفسخ مي شود.

(۳) اقاله صحيح است و اجاره به حال خود باقي مي ماند و اجاره بهاي بعد از اقاله، متعلق به مشتري است.

(۴) اقاله صحيح است و اجاره به حال خود باقي مي ماند و اجاره بهاي بعد از اقاله، متعلق به بايع است.

۱۸- اگر مبيع قيمتي بعد از عقد تلف شده باشد و بايع بدون علم به تلف مبيع، بيع را با توافق مشتري اقاله کند، کدام گزینه صحيح است؟

(۱) اقاله باطل است.

(۲) اقاله صحيح است و مشتري بايد قيمت مبيع در زمان اقاله را به بايع بپردازد.

(۳) اقاله باطل است مگر اين که مشتري هم به تلف مبيع جاهل باشد که در اين صورت بايد قيمت مبيع در زمان اقاله را به بايع بپردازد.

(۴) اقاله صحيح است و مشتري بايد قيمت مبيع در زمان تأديه (يوم الادا) را به بايع بپردازد.

۱۹- اگر «الف» بدون داشتن نمايندگي از برادر خود، اتومبيلي را مشاعاً براي خود و برادر خود بخرد، کدام گزینه صحيح است؟

(۱) معامله صحيح است و «الف» بايد کل ثمن را بپردازد.

(۲) معامله نسبت به سهم برادر «الف» غيرنافذ است و در صورت رد معامله توسط برادر «الف»، خود «الف» بايد کل ثمن را بپردازد.

(۳) معامله نسبت به سهم «الف» نافذ و نسبت به سهم برادر او، غيرنافذ است.

(۴) معامله نسبت به سهم «الف» نافذ و نسبت به سهم برادر او، غيرنافذ است و در صورت رد معامله توسط برادر «الف»، کل معامله باطل مي شود.

۲۰- اگر يك نفر به ديگري ديون متعدده داشته باشد، تشخيص اين که تأديه بابت کدام دين است با کيست؟

(۱) مديون

(۲) طلبکار

(۳) دادگاه

(۴) هيچ کدام

پاسخنامه تشریحی

۱- **گزینه ۱ صحیح است.** برخلاف فرض ماده ۲۵۷ ق.م.، وقتی مالک یکی از معاملاتی را که نسبت به عوضی که از معامله فضولی به دست آمده تنفیذ کند، این تنفیذ به معنای تنفیذ ضمنی معاملات پیشین است. مثلاً در این مسئله، وقتی مالک انتقال مالکیت وانت به خود را می‌پذیرد، لازمه آن این است که موتورسیکلت نیز پیشاپیش به او منتقل شده باشد و لازمه انتقال موتورسیکلت به مالک این است که معاوضه اول نیز صحیح باشد. وقتی معاوضه اول صحیح باشد، در واقع انتقال اتومبیل به «ج» نیز به درستی صورت گرفته است و بنابراین فروش اتومبیل توسط «ج» نیز صحیح خواهد بود بنابراین در این مسئله، تنفیذ معاوضه دوم مستلزم تنفیذ کلیه معاملات است. (زیرنویس ۱ ماده ۲۵۷ ق.م.)

۲- **گزینه ۱ صحیح است.** طبق ماده ۲۵۱ ق.م.، «رد معامله فضولی حاصل می‌شود به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر عدم رضای به آن نماید.» و عرضه برای فروش به خودی خود دلالت ضمنی بر رد معامله فضولی دارد، فارغ از این که مخاطب ایجاب، مشتری فضولی باشد یا شخص ثالث و نیز فارغ از این که ایجاب مالک مورد قبول مخاطب ایجاب قرار بگیرد یا خیر. (زیرنویس ۳ ماده ۲۵۱ ق.م.)

۳- **گزینه ۴ صحیح است.** تعهد تضمین اجازه از اقسام تعهد به فعل ثالث است بنابراین اگر فضول اجازه مالک را تضمین کند اما مالک عقد را تنفیذ نکند، فضول طبق قواعد عمومی قراردادها مسئول جبران خسارت ناشی از نقض تعهد (تعهد به فعل ثالث) است. تضمین اجازه مالک ممکن است به صورت شرط ضمن عقد فضولی یا به صورت تعهد مستقل انشا شود ولی حتی اگر تضمین اجازه به صورت شرط ضمن عقد فضولی درآید، از جهت تحلیلی، چنین شرطی مستقل از عقد اصلی است و از حیث نفوذ و عدم نفوذ تابع عقد فضولی نیست بلکه به عنوان یک تعهد مستقل برعهده فضول قرار می‌گیرد زیرا بدیهی است وقتی طرفین عقد فضولی، تعهد تضمین اجازه را با لحاظ فضولی بودن عقد اصلی انشا می‌کنند، این تعهد در نظر ایشان مستقل از عقد اصلی است و به عنوان یک تعهد مستقل تابع قواعد عمومی قراردادها خواهد بود. گزینه‌های ۲ و ۳ از این جهت غلط است که در حقوق ایران، فضول هیچگاه به صرف انعقاد قرارداد فضولی تعهد به تضمین اجازه مالک را نخواهد داشت و چنین تعهدی باید در قرارداد تصریح یا از اوضاع و احوال استنباط شود. گزینه ۴ از این جهت صحیح است که تضمین اجازه عقد فضولی به خودی خود شامل تضمین اجرای تعهدات ناشی از آن قرارداد نیست و چنین امری نیاز به تصریح دارد. (اعمال حقوقی، شماره‌های ۱۹۲ و ۲۰۳ و قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ش ۳۷۹)

۴- **گزینه ۲ صحیح است.** طبق ماده ۲۶۱ ق.م.، ملاک ضمان مشتری نسبت به عین و منافع مبیع فضولی، تصرف مبیع است زیرا مشتری صرفاً در صورت استیلا بر مبیع غاصب یا در حکم غاصب محسوب می‌شود و در این صورت ضامن عین و کلیه منافع مبیع (شامل منافع مستوفات و منافع غیرمستوفات) خواهد بود فارغ از این که به فضولی بودن بیع علم داشته باشد یا نداشته باشد.

۵- **گزینه ۲ صحیح است.** طبق ماده ۲۵۲ ق.م.، اصیل اصولاً باید به عقد فضولی ملتزم بماند و حق فسخ عقد فضولی را ندارد، چه به فضولی بودن بیع آگاه باشد چه نسبت به این امر جاهل باشد. اما اگر مالک در اجازه یا رد بیع فضولی تأخیر کند و این تأخیر موجب ضرر طرف اصیل شود، اصیل حق فسخ معامله فضولی را دارد و علم و جهل او نسبت به معامله فضولی تأثیری در این حکم ندارد.

۶- **گزینه ۳ صحیح است.** طبق قسمت اخیر ماده ۲۶۷ ق.م.، تنها شرطی که برای امکان رجوع ثالث به مدیون پیش بینی شده این است که ثالث از مدیون اذن در پرداخت داشته باشد ولی از ملاک ماده ۷۲۰ ق.م. استنباط می‌شود که نه تنها مدیون باید به ثالث اذن در تأدیه داده باشد، بلکه همچنین ثالث باید دین مدیون را بدون قصد تبرع پرداخت کرده باشد وگرنه حق رجوع به مدیون را نخواهد داشت. منتها باید توجه داشت که در مورد وجود یا عدم اذن، اصل بر عدم اذن است بنابراین باید اذن مدیون به ثالث اثبات شود اما در مورد وجود یا عدم قصد تبرع، طبق مستفاد از ماده ۲۶۵ ق.م.، اصل بر عدم تبرع است بنابراین لازم نیست ثالث عدم قصد تبرع خود را اثبات کند بلکه کافی است مدیون نتواند قصد تبرع ثالث را اثبات کند. (زیرنویس ۲ ماده ۲۶۷ ق.م.)

۷- **گزینه ۴ صحیح است.** طبق ماده ۲۶۹ ق.م.، برای اعتبار وفای به عهد لازم است که پرداخت کننده اهلیت داشته باشد و اگر شخص محجور دین خود را بپردازد، اصولاً ایفا نارواست و مال تسلیم شده قابل استرداد است. استثنائاً اگر موضوع وفای به عهد پول باشد، پولی که محجور از اموال خود بابت وفای به عهد پرداخته، قابل استرداد نیست زیرا اولاً می‌توان گفت اساساً دلیلی برای ناروا دانستن این پرداخت وجود ندارد زیرا علت این که اهلیت پرداخت کننده برای وفای به عهد شرط دانسته شده این است که وی در انتخاب مصداق به ضرر خود عمل نکند و این امر باعث عدم رعایت مصلحت او نشود در حالی که در مورد پول، تصور این که پرداخت به ضرر متعهد باشد، ممکن نیست. ثانیاً حتی اگر بگوییم چنین ایفایی نارواست، نتیجه این می‌شود که ولی محجور می‌تواند مبلغ پرداختی را استرداد کند و مجدداً موظف است همان مبلغ را به داین بپردازد که بین این دو دین تهاتر صورت می‌گیرد و لذا مبلغ تأدیه شده قابل استرداد نخواهد بود. (زیرنویس ۳ ماده ۲۶۹ ق.م.) همچنین باید توجه داشت که حکم ماده ۲۶۹ ق.م. صرفاً در مورد حالتی که موضوع تعهد تعیین و تسلیم مصداق مال کلی است، قابل اعمال است و در مورد تعهد تسلیم عین معین لازم نیست پرداخت کننده اهلیت داشته باشد.

۸- **گزینه ۳ صحیح است.** ابراهامهیتاً ایقاعی رایگان است و نمی‌توان آن را به صورت معوض انشا کرد اما همانند اکثر اعمال حقوقی رایگان، شرط عوض در آن معتبر است و با ماهیت ایقاعی آن نیز منافات ندارد و اگر مورد پذیرش مدیون قرار بگیرد، الزام آور است. قالب حقوقی مناسب برای ابرای معوض این است که طلبکار ابراً را معلق به پذیرش شرط عوض توسط مدیون انشا کند که در این صورت، اگر مدیون شرط عوض را بپذیرد، ابراً نیز مؤثر واقع می‌شود و اگر مدیون شرط عوض را نپذیرد، ابراً نیز مؤثر نخواهد شد. به هر حال، پس از قبول شرط عوض، دین به علت تحقق ابراً ساقط می‌شود و در مورد ابرای یکی از

مسئولان تضامنی باید توجه داشت که این امر باعث سقوط التزام کلیه مسئولان تضامنی می‌شود. در مورد عوض نیز باید توجه داشت که تعهد پرداخت عوض صرفاً بر عهده شخصی است که شرط را پذیرفته است و طبق اصل نسبی بودن اثر قراردادهای، اثر آن به سایر مسئولان تضامنی نخواهد رسید. (اعمال حقوقی، شماره‌های ۴۸۳ و ۴۹۰)

۹- **گزینه ۳ صحیح است.** اگر مضمون له مورث ضامن باشد و بمیرد، ضامن مالك مافی‌الذمه خود می‌شود و بدون این که پرداختی صورت بگیرد، دین ضامن ساقط می‌شود اما ضامن حق رجوع به مدیون اصلی را از دست نمی‌دهد زیرا به میزان دین از ارباب او کم شده و این اتفاق در حکم پرداخت است. اگر مضمون عنه مالك مافی‌الذمه خود شود، نمی‌تواند به عنوان طلبکار جدید به ضامن رجوع کند، زیرا ضامن نیز پس از پرداخت می‌تواند مجدداً به مضمون عنه رجوع کند و فایده عقلایی‌ای در این رجوع متقابل وجود ندارد بنابراین منطقاً دین ضامن ساقط می‌شود. البته این گفته وقتی صحیح است که ضامن به اذن مدیون از او ضمانت کرده باشد. شرط ضروری تحقق مالکیت مافی‌الذمه، اتحاد دو وصف طلبکار و بدهکار در شخص واحد است و در مورد هبه طلب به مدیون نیز باید توجه داشت که این امر باعث می‌شود که طلب به مدیون انتقال پیدا کند و او در آن واحد مدیون و طلبکار شود. (زیرنویسهای ۴، ۲، ۱ و ۵ ماده ۳۰۰ ق.م.ا.)

۱۰- **گزینه ۴ صحیح است.** ابراز دینی که سبب آن ایجاد شده صحیح است و دین ناشی از عقد معلق قبل از وقوع معلق علیه نیز از مصادیق بارز دیونی است که هنوز تحقق نیافته اما سبب آن ایجاد شده است بنابراین چنین ابرایی صحیح است و در صورت تحقق معلق علیه مؤثر خواهد بود یعنی مشتری نسبت به پرداخت ثمن دینی نخواهد داشت اما در صورت عدم تحقق معلق علیه، بایع تعهدی به پرداخت معادل ثمن به مشتری ندارد زیرا ابراه به معنای اسقاط دین پرداخت نشده است و با وفای به عهد تفاوت دارد. (زیرنویس ۹ ماده ۲۸۹ ق.م.ا. و اعمال حقوقی، ش ۴۸۸)

۱۱- **گزینه ۱ صحیح است.** برای اعتبار ایفای ثالث، رضایت داین و مدیون شرط نیست و ثالث حتی می‌تواند در صورت مخالفت داین و مدیون نیز دین مدیون را پرداخت و موجبات برائت ذمه او را ایجاد کند. در صورتی که طلبکار از دریافت طلب خودداری کند، ثالث نیز مثل مدیون می‌تواند با پرداخت دین به حاکم یا قائم مقام حاکم، باعث سقوط دین شود و چنین پرداختی معتبر است. وانگهی، می‌دانیم که برای اعتبار تبدیل تعهد، مستفاد از بند ۲ ماده ۲۹۲ ق.م.ا.، لازم است که تعهد سابق از بین برود و تعهد جدیدی جایگزین آن شود بنابراین وقتی تعهد سابق به علتی از بین رفته است، تبدیل تعهد به علت این که یکی از دو مورد آن معدم است، باطل خواهد بود. (زیرنویس ۱ ماده ۲۷۳ ق.م.ا. و زیرنویس ۷ ماده ۲۹۲ ق.م.ا.)

۱۲- **گزینه ۲ صحیح است.** ماده ۲۹۸ ق.م.ا.

۱۳- **گزینه ۴ صحیح است.** طبق ماده ۲۹۳ ق.م.ا.، در تبدیل تعهد تضمینات تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت مگر این که طرفین معامله صراحتاً شرط کرده باشند بنابراین طبق ظاهر قانون مدنی، صرف توافق طلبکار و بدهکار برای تعلق تضمینات تعهد سابق به تعهد جدید کفایت می‌کند منتها از جهت تحلیلی، اراده دو طرف نمی‌تواند بدون رضایت

شخص ثالث تعهدی برای شخص ثالث ایجاد کند و در این مسئله نیز، ضامن دین سابق را تضمین کرده است و صرفاً در صورتی می‌توان ضامن را به دین جدید سرایت داد که ضامن به این امر رضایت دهد. (نظریه عمومی تعهدات، ش ۲۲۰)

۱۴- **گزینه ۳ صحیح است.** طبق ماده ۲۷۰ ق.م.، مالی که متعهد در مقام وفای به عهد تسلیم می‌کند اصولاً قابل استرداد نیست مگر این که اثبات شود که آن مال متعلق به غیر بوده و با اذن مالک در اختیار مدیون بوده اما مدیون اذن در تأدیه از محل آن مال را نداشته است. اگر مدیون صرفاً اثبات کند که آن مال متعلق به غیر بوده و با اذن مالک در اختیار او بوده است نیز مال از طلبکار مسترد نمی‌شود زیرا فرض می‌شود که اقدام مدیون در تأدیه آن مال قانونی بوده و وفای به عهد به درستی صورت گرفته است.

۱۵- **گزینه ۲ صحیح است.** بر اساس قاعده‌ای که در ماده ۱۰ ق.م. پذیرفته شده و اساس نظام حقوق قراردادهاست، اشخاص آزادند که توافقات حقوقی خود را در هر قالبی که می‌خواهند بریزند و آثار آن را آزادانه تعیین کنند. به این اصل، اصل آزادی قراردادی گفته می‌شود که ریشه در قاعده فلسفی حاکمیت اراده دارد و بر اساس آن هیچ کسی را نمی‌توان جز به اراده خود او به امری ملتزم دانست و اراده شخص، رکن اساسی تعیین حدود التزامات او در زندگی اجتماعی است. ایقاعات نیز در نظام حقوقی ایران جایگاه مهمی دارند اما اصل آزادی اراده در مورد ایقاعات پذیرفته نشده بنابراین اراده شخص فقط وقتی می‌تواند در قالب ایقاع آثار حقوقی از خود به جای بگذارد که مقدمتاً احراز شود که قانونگذار برای اراده فرد در خصوص آن عمل حقوقی تأثیر قائل شده است. البته اصل آزادی ایقاع صرفاً در مورد ایقاعات مسقط حق پذیرفته شده است مشروط به این که با مانع ماده ۹۵۹ ق.م. برخورد نکند یعنی مستلزم سلب حق به طور کلی نباشد. (اعمال حقوقی، شماره‌های ۴۵۰، ۴۵۵ و ۴۵۶) اما در مورد سایر گزینه‌ها تفاوت اساسی بین عقود و ایقاعات وجود ندارد زیرا در ایقاعات نیز تا زمانی که اراده در عالم خارج ابراز نشده، اثر حقوقی از خود به جای نمی‌گذارد، پس از انشای ایقاع، اثر آن اصولاً قابل برگشت نیست و در صورت وقوع ظاهری ایقاع، حکم به صحت آن می‌شود، مگر این که خلاف آن اثبات شود. (اعمال حقوقی، شماره‌های ۴۶۰، ۴۶۱ و ۴۷۰)

۱۶- **گزینه ۱ صحیح است.** مرحوم استاد کاتوزیان در کتاب اعمال حقوقی بیان می‌کنند که پس از اقاله، عوضین در ید طرفین امانت است بنابراین جز در صورت تعدی و تفریط ضامن تلف مال نیستند اما در کتاب قواعد عمومی قراردادها نظر دیگری ابراز می‌کنند که به نظر می‌رسد بیشتر با مبانی نظام حقوقی ما سازگار است. طبق این دیدگاه، درست است که پس از اقاله، عوضین در ید طرفین امانت است اما قرارداد اقاله به طور ضمنی هر یک از طرفین را ملزم به استرداد عوض به طرف دیگر می‌کند و این تعهد از سنخ تعهدات به نتیجه است بنابراین اگر هر یک از عوضین پس از اقاله و قبل از تسلیم، در ید یکی از طرفین تلف یا ناقص شود، وی به علت نقض این تعهد ضمنی، مسئول جبران خسارت طرف مقابل است مگر این که اثبات کند که تلف یا نقص ناشی از قوه قاهره بوده است. (اعمال حقوقی، ش ۳۳۵ و قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، ش ۸۹۱)

۱۷- گزینه ۴ صحیح است. اقاله از اسباب انحلال عقد است و انحلال عقد به معنای زوال آثار آن نسبت به آینده است و اثر عقد را از زمان انعقاد از بین نمی برد. در مورد این مسئله باید توجه داشت که مشتری در زمان انعقاد اجاره، مالک مبیع بوده بنابراین دلیلی برای بیاعتبار دانستن اجاره وجود ندارد و وقوع اقاله نیز تأثیری بر اجاره نخواهد داشت و حق عینی مستأجر بر اتومبیل باقی خواهد ماند. منتها در مورد اجاره بها باید توجه داشت که استحقاق اجاره بها تابع مالکیت عین است و اگر توافق خلافی نشود، طبق مستفاد از مفهوم مخالف ماده ۲۸۷ ق.م. و طبق قاعده مندرج در ماده ۳۲ ق.م.، استعداد مال در خصوص تراوش منافع، به مالک عین تعلق می گیرد بنابراین اجاره بهای بعد از اقاله به تبعیت از اصل مال متعلق به بایع خواهد بود و اجاره بهای قبل از اقاله با همین استدلال متعلق به مشتری است.

۱۸- گزینه ۴ صحیح است. از اطلاق ماده ۲۸۶ ق.م. می توان استنباط کرد که تلف یکی از عوضین مطلقاً مانع اقاله نیست، فارغ از این که طرفین یا یکی از آنها به تلف عالم یا نسبت به آن جاهل باشد. منتها باید توجه داشت که در صورتی که طرفین به تلف عوض علم داشته باشند، قیمت عوض تلف شده در زمان اقاله پرداخت می شود اما در صورتی که طرفین یا یکی از آنها ناآگاه از تلف مورد معامله باشد، مفاد اقاله ناظر به بازگرداندن عین مورد معامله در زمان تسلیم است و چون تلف مال مانع از تسلیم عین آن است، ناگزیر باید قیمت یوم الادا به عنوان بدل آن پرداخت شود. (اعمال حقوقی، ش ۳۳۲)

۱۹- گزینه ۳ صحیح است. نك ماده ۲۵۶ ق.م. فرض این ماده با فرض ماده ۱۹۶ ق.م. متفاوت است؛ در مورد ماده ۱۹۶، معامله کننده بر اساس وکالت اقدام به معامله می کند اما وکالت خود را به طرف دیگر معامله اطلاع نمی دهد اما در فرض ماده ۲۵۶، طرف معامله بدون نمایندگی اقدام می کند بنابراین در حقوق ایران نمی توان چنین شخصی را ملزم به اجرای قرارداد دانست و در صورت رد معامله توسط برادر «الف»، معامله نسبت به سهم او باطل خواهد بود و نسبت به مابقی نیز، طرف دیگر معامله، در صورت جهل به فضولی بودن، به استناد خیار تبعض صفقه حق فسخ دارد اما بیع به خودی خود باطل نخواهد بود.

۲۰- گزینه ۱ صحیح است. نك ماده ۲۸۲ ق.م.